Journal of
International Criminal Law
www.iclj.ir

Volume 3, Issue 1, 2025

International Criminal Interaction in Iranian Law with a Look at the Jurisprudential Backgrounds

Fatemeh Habibollahi[1], Mohammad Bagher Amerinia*[2]

1. M.A of Criminal Law and Criminology, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran.
2. Associate Professor, Department of Law, Yasuj Branch, Islamic Azad University, Yasuj, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:
Original Research
Pages: 147-158

Corresponding Author's Info
ORCID: *0009-0001-7291-1386*
TELL: *+989171132007*
Email: *mohamadamerinia@gmail.com*

Article history:
Received: *18 Sep 2024*
Revised: *01 Dec 2024*
Accepted: *02 Feb 2025*
Published online: *21 Mar 2025*

Keywords:
Judicial Cooperation, Criminal Interaction, Extradition Treaty, Nation, Jurisprudence.

ABSTRACT

Judicial interaction and cooperation are among the legal solutions at the level of the international system that are pursued in order to combat and prevent serious international crimes and cases such as the fight against drugs, terrorism, war crimes and crimes against humanity. Each country, based on its own considerations, cooperates extensively with international institutions or cooperates with other countries in criminal interaction and some countries cooperate for domestic reasons. In the Islamic Republic of Iran, jurisprudential and religious considerations play an important role in international criminal interaction and Jazer's research seeks to examine jurisprudential mechanisms to support international criminal interaction and cooperation. The central question is how jurisprudential principles and rules or historical experiences in Islam can lead to the expansion of criminal and judicial interaction in the Islamic Republic system? The results showed that criminal interaction in jurisprudence can be extracted by resorting to principles and rules such as: a single Islamic nation and accepting geographical borders instead of ideological borders, the extradition of infidels to non-Muslims during the early days of Islam by the Prophet, the Medina Treaty or Charter, the Peace of Hudaybiyah, adherence to commitments and contracts even with enemies and non-Muslims and the mandatory execution of all provisions of commitments. It is suggested that the limitations of the Guardian Council be resolved from the perspective of the incompatibility of the laws of other countries with the idea that legal systems are more likely to seek to implement rules to prevent serious international crimes. The method of the present article is descriptive-analytical and a library analysis tool.

This is an open access article under the CC BY license. © 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Habibollahi, F & Amerinia, MB (2025). "International Criminal Interaction in Iranian Law with a Look at the Jurisprudential Backgrounds". *Journal of International Criminal Law*, 3(1): 147-158.

فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir

انجمن علمی فقه جزای تطبیقی ایران

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

تعامل کیفری بین‌المللی در حقوق ایران با نگاهی به زمینه‌های فقهی

فاطمه حبیب‌اللهی[۱]، محمدباقر عامری‌نیا*[۲]

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤول)

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۷–۱۵۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۳۸۶-۷۲۹۱-۰۰۰۱-۰۰۰۹

تلفن: ۹۸۹۱۷۱۱۳۲۰۰۷+

ایمیل: mohamadamerinia@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

تعاون قضایی، تعامل کیفری، معاهده استرداد، امت، فقه.

چکیده

تعامل و تعاون قضایی، ازجمله راهکارهای حقوقی در سطح نظام بین‌الملل است که در راستای مبارزه و جلوگیری با جرایم شدید بین‌المللی و مواردی نظیر مبارزه با مواد مخدر، تروریسم، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت دنبالمی شود. هریک از کشورها بنابر ملاحظات خاص خود، به‌شکل گسترده و برخی از کشورها به دلایلی داخلی از همکاری با نهادهای بین‌المللی یا تعامل کیفری با کشورهای دیگر همکاری دارند. در جمهوری اسلامی ایران، ملاحظات فقهی و شرعی نقش مهمی در تعامل کیفری بین‌المللی ایفا می‌کنند که پژوهش حاضر درصدد بررسی سازوکارهای فقهی جهت حمایت از تعامل و تعاون کیفری بین‌المللی است. پرسش محوری این است که اصول و قواعد فقهی یا تجارب تاریخی در اسلام به چه نحوی می‌توانند منجر به گسترش تعامل کیفری و قضایی در نظام جمهوری اسلامی شوند؟ نتایج نشان داد که تعامل کیفری در فقه با توسل به اصول و قواعدی، نظیر امت واحده اسلامی و پذیرش مرزهای جغرافیایی به جای مرزهای عقیدتی، استرداد کافر به غیرمسلمانان در زمان صدر اسلام توسط پیامبر، پیمان یا منشور مدینه، صلح حدیبیه، پایبندی به تعهدات و قراردادها حتی با دشمنان و غیرمسلمانان و لاجرم‌الاجرابودن تمام مفاد تعهدات قابل استخراج است. پیشنهاد این است که محدودیت‌های شورای نگهبان از منظر عدم تطابق قوانین سایر کشورها با این ایده که نظام‌های حقوقی بیشتر به‌دنبال اجرای قواعدی جهت جلوگیری از جرایم شدید بین‌المللی است، حل شود. روش مقاله حاضر توصیفی ـ تحلیلی و ابزار تحلیل کتابخانه‌ای است.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

جهانی‌شدن، ازجمله مشخصه‌های بارز نظم نوین جهانی که ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی قابل توجهی پیدا کرد. جنبه‌های حقوقی جهانی‌شدن به‌دلیل فرامرزی‌شدن جرایمی نظیر تروریسم، پولشویی، قاچاق‌های سازمان‌یافته بین‌المللی و جرایم اینترنتی و سایبری گسترش قابل ملاحظه ای یافته است. از طرفی دیگر اشتراک ذاتی برخی از مفاهیم کیفری نظیر عدالت کیفری، تعقیب متهمان، حفظ حقوق متهم و دادرسی عادلانه باعث شده تا کشورها جهت همکاری و تعامل کیفری به‌سمت تأسیس نهادها سازمان‌های کیفری بین‌المللی سوق پیدا کنند، اما وجه دیگر این همکاری در تأسیس نهادهای همکاری، ایجاد تلاش جمعی جهانی برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرمان است که برای محقق‌شدن این هدف، استرداد مجرمان، تعقیب آنان، مبادله اطلاعات و تعاملات قضایی، نیابت قضایی و ... مطرح شده است، هرچند در این میان، تعارض صلاحیت ملی و بین‌المللی یک رویداد تازه محسوب می‌شود، اما برای دفع تهدیدات مهمی نظیر تروریسم، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و حتی تهدیدات سایبری که همواره مجرمان و متهمان متواری در کشورهای مختلف ایجاد می‌نماید، کشورها را به‌سمت نوعی همکاری سوق داده است. دیوان کیفری بین‌المللی، دادگاه‌های مقابله با جرایم تروریسم، دادگاه لاهه، دادگاه‌های رسیدگی به نسل کشی، دادگاه‌های کشورها یا نهادهای منطقه‌ای و جهانی برای تعقیب و محاکمه افراد متهم به جنایات جنگی یا جنایت علیه بشریت، نمودهایی از به‌کارگیری تعاون یا تعامل قضایی و کیفری در سطح جهانی است که نمودی از اصل تعهد در برابر همه تلقی می‌شود (موسوی‌فرد و نیکنام، ۱۳۹۵: ۲)، بدین‌معنا که کشورهای عضو در نهادها و سازمان‌های قضایی بین‌المللی هریک به نوبه خود برای ایفای نقش در همکاری برای مبارزه با جرایم و جنایات، مسؤولیتی مشترک دارند.

نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی با توسل به سازوکارهایی نظیر استرداد مجرمان، تبادل زندانی، استرداد مجرمان تابعیت کشورها جهت گذراندن دوران محکومیت و جلوگیری از پناهنده‌شدن مجرمان متهم به جرایم شدید بین‌المللی، نقش مهمی در جلوگیری و مقابله با جرایم یادشده دارند. در این میان نظام جمهوری اسلامی ایران به‌دلیل برآمدن قوانین و مقررات از شریعت و فقه، نگرش محتاطانه یا حتی بدبینانه نسبت به تعامل و تعاون قضایی و کیفری در پیش گرفته است. استدلال عمده مخالفت با تعامل کیفری با نهادهای بین‌المللی، کشورهای مختلف (ازجمله کشورهای غیراسلامی) آن است که احکام کیفری و قضایی این کشورها، منبعث از شریعت نیست و ریشه در سکولاریسم دارد. به همین دلیل، بحث استرداد مجرمین، عضویت در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی یا تعامل دوجانبه با کشورهای مختلف از سوی ایران چندان گسترده نیست، اما از طرف دیگر و با جهانی‌شدن جرایم، استفاده مجرمان از فضای سایبر، لزوم رسیدگی به مسائلی نظیر تروریسم، جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، مقابله و جلوگیری از جرایم مواد مخدر و ... باعث شده تا ایران نیز همانند سایر کشورها، هم نسبت به استرداد مجرمان به سایر کشورها و متعاقباً تقاضا برای مستردشدن مجرمان در خارج از کشور جهت رسیدگی در قوانین داخلی، این ضرورت را احساس کند. ازجمله این موارد، پیوستن ایران به معاهداتی نظیر کنوانسیون سازمان علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مورخ ۱۹۸۸ است (قربان‌پور و حامد، ۱۳۸۸: ۱۶۷). با این حال، باتوجه به این‌که قوانین و مقررات داخلی ایران هم در عرصه داخلی و هم در خارج، برگرفته از آموزه‌های شریعت است، توجه به اصول و قواعد فقهی و استنباط راهکارهایی از احکام و قواعد اسلامی در راستای تعامل و تعاون کیفری، امری غیرقابل انکار است. پرسش قابل تأمل که در پژوهش حاضر نیز مورد توجه است، این‌که جلوه‌های تعامل کیفری بین‌المللی در حقوق ایران از منظر فقهی شامل چه مواردی است؟ فرضیه این است که تعامل کیفری در حقوق ایران مورد پذیرش واقع شده و در قالب پیوستن دولت به پاره ای از معاهدات بین‌المللی و کنوانسیون‌های مرتبط نمود پیدا کرده است. در فقه، اگرچه این عنوان مطرح نشده است، اما زمینه‌های آن، یعنی بحث امت واحده، معاهده استرداد اشخاص، قاعده پایبندی به تعهد (**اوفو بالعقود**)، ازجمله آن‌ها به شمار می‌رود.

۱- مفهوم تعاون کیفری بین‌المللی

تعاون کیفری بین‌المللی یا در قالب آن‌چه تعاون قضایی مد نظر است، به تعاملات میان دولت‌ها در حیطه منطقه‌ای یا بین‌المللی اشاره دارد که در حوزه قضایی و برای مقابله با جرایم و مجازات مجرمان انجام می‌شود. یکی از نمودهای تعاون کیفری، مستردکردن مجرمان از کشور ثالث به کشوری است که مجرم، شهروند آن کشور محسوب شده و برای محاکمه یا رسیدگی قضایی انتقال داده می‌شود. بنابراین وظیفه اصلی تعاون کیفری، استراد یا محاکمه مجرمان است (فروغی، ۱۳۸۸: ۳۲). در تعاون کیفری، نهادهای کیفری و قضایی در سطح منطقه، حقوق بین‌الملل و معاهدات میان کشورها ایفای نقش می‌کنند و کشورها برای مقابله با جرایم فرامرزی با یکدیگر همکاری متقابل دارند.

۲- قلمرو تعاون کیفری بین‌المللی

مقصود از قلمرو تعاون کیفری بین‌المللی مصادیق آن است که در قالب‌های مختلفی، ازجمله استرداد مجرمین، صلاحیت عام دیوان بین‌المللی برای جرایم مختلفی نظیر (جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، تروریسم و جرایم سایبری) نمود یافته است. تعاون کیفری بین‌المللی در زمینه استرداد متهمان و مجرمان، تبادل اطلاعاتی، تعقیب قضایی و انتقال محکومان یا انتقال زندانی جهت ادامه حبس نمود پیدا کرده است. به‌طور مثال، انتقال محکومین، ازجمله راه‌های معاضدت بین‌المللی در نظر گرفته شده و به‌موجب آن، اعتبار احکام دادگاه‌های بیگانه به رسمیت شناخته می‌شود (فروغی و جودکی، ۱۳۹۶: ۲۶۵)، اما تعاون کیفری بین‌المللی از حیث گستره پوشش و قلمرو قضایی، بسیار گسترده است و ورای صلاحیت قضایی ملی عمل می‌نماید. قلمرو تعاون کیفری بین‌المللی، دربرگیرنده جرایمی است که دارای این ویژگی‌ها باشند: اول این‌که رفتارهای خاصی را که از سوی جامعه بین‌المللی، سرزنش می‌شوند، به عنوان «جرم بین‌المللی» در نظر می‌گیرد؛ دوم این‌که، یک راهنمای دقیق و معتبر در ارتباط با انواع اقداماتی که جرم بین‌المللی محسوب می‌شوند، ایجاد می‌گردد که برای مبارزه با این جرایم ضروری است؛ سوم، اعمالی که در گستره وسیعی و توسط معاهدات مختلف بین‌المللی محکوم شده و مانعی برای برآورده‌شدن اهداف حقوق بین‌المللی هستند؛ چهارم، حقوق بین‌الملل به‌صورت مستقیم، مسؤولیت شخصی را بر مرتکبین جنایات بین‌المللی اِعمال می‌نماید؛ پنجم، در محاکمه متهمان ارتکاب جرایم بین‌المللی، دولت‌ها، فعالیت‌هایی را جهت اجرای حقوق بین‌المللی، انجام می‌دهند و درنهایت، این جنایات (جرایم شدید بین‌المللی) به تمامی دولت‌ها مرتبط است، بدین‌ترتیب تمامی دولت‌ها در ارتباط با محاکمه متهمان به ارتکاب جنایات بین‌المللی که دستیگر می‌کنند، صلاحیت تعقیب و محاکمه دارند (بیگ‌زاده و میرفلاح نصیری، ۱۳۹۳: ۱۳)، بدین‌ترتیب در تعاون کیفری بین‌المللی نوعی پذیرش و همکاری از سوی دولت‌ها جهت تعقیب و محاکمه متهمان در ارتباط با جرایم شدید بین‌المللی ایجاد می‌شود که به‌منزله اجرای احکام از سوی دستگاه‌های قضایی در کشورهایی است که متعهد به یک سازوکار حقوقی، اعم از منطقه‌ای یا بین‌المللی هستند. موارد یادشده تمامی دولت‌ها را ملزم به همکاری جهت اجرای عدالت در قبال مرتکبین جنایات بین‌المللی می‌نمایند که در اصل ناظر بر تعهد به استرداد یا محاکمه متهمان در ارتباط با جنایات بین‌المللی است (Wise, 1993: 286). همکاری با نهادهای بین‌المللی فراگیری نظیر اینترپل، وجه مشترک کشورهایی است که از طریق تعاون کیفری بین‌المللی، اقدام به محاکمه و مجازات متهمان می‌نمایند. بنابراین گستره تعامل کیفری بین‌المللی از نوع اعمال صلاحیت جهانی و بین‌المللی و هریک از رفتارها و اَعمالی که در چهارچوب جرایم شدید بین‌المللی در نظر گرفته شود، تابع اعمال صلاحیت یاد شده است و اعضا می بایست نسبت به قواعد داخلی کشورها در زمینه رسیدگی به جرایم یادشده اقدامات لازم را از جهت تعقیب و یا استرداد متهم انجام بدهند.

۳- زمینه‌های فقهی تعامل کیفری

قوانین داخلی ایران به‌لحاظ تاریخی در سال ۱۳۰۹، به بحث تعاون قضایی و یا همکاری با سایر کشورها روی آورده است. در قانون اخیرالذکر، تحت عنوان «قانون تعاون قضایی» آورده است: محاکم عدلیه و مستنطقین ایران می‌توانند تقاضایی را که از طرف محاکم و یا مستنطقین ممالک خارجه راجع به استماع شهادت شهود و یا تحقیقات دیگر از این قبیل انجام می‌شود، انجام دهند، مشروط بر این‌که محاکم و مستنطقین مملکت نیز که این تحقیقات را تقاضا می‌نمایند، نظیر این تقاضا

را از طرف محاکم و مستنطقین ایران بپذیرند. بعدها قانون اختصاصی دیگری نظیر «قانون راجع به استرداد مجرمان ایران مصوب ۱۳۳۹» مصوب شد که حسب آن، قانون‌گذار ایران، قانونی در ارتباط با استرداد مجرمان در ۲۶ ماده تصویب نمود که تاکنون نیز مطابق آن عمل می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹). با این حال پس از انقلاب اسلامی هم در قالب قانون معاهده معاضدت با کشورهای مختلف، ازجمله کره جنوبی مصوب ۱۳۹۶/۰۹/۰۵، قانون موافقت‌نامه معاضدت قضایی و حقوقی میان ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹/۰۹/۳۰ یا قانون همکاری قضایی میان ایران و سوریه مصوب ۱۳۸۱ و پیوستن ایران به معاهدات منطقه‌ای و بین‌المللی نمونه‌هایی از تمایل به تعامل و تعاون کیفری از سوی ایران است. موارد یادشده غالباً ریشه در آرا و دیدگاه‌های حقوقی تاریخی یا زمینه‌های دینی و اسلامی دارند که البته بسیاری از آنان مغفول مانده و نیازمند بررسی و تحلیل بیشتر و دقیق‌تری است. در مباحث پیش رو تلاش بر این است تا نظریات شناخته‌شده فقهی پیرامون تعامل و تعاون قضایی و کیفری از منظر فقهی و نظام حقوقی اسلامی بررسی و ارزیابی شود.

۳-۱- نظریه امت واحده

نظریه «امت واحده» بیش از همه با دیدگاه‌های طرفداران گسترش عقیدتی اسلام در جهان مرتبط است که البته دیدگاه‌های متفاوتی در این زمینه وجود دارد. برخی بر این باور هستند که شکل‌گیری دولت مدرن، ایده‌آل نظام سیاسی اسلامی نیست و باید در راستای استقرار وضع مطلوب تلاش شود. در این دیدگاه، تعیین مرزها، توافقاتی نسبی و مقطعی به شمار می‌روند و اصالت ندارند (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۲۰۸/۳)، اما محقق‌شدن این دیدگاه به‌معنای آن است که تعامل با سایر کشورها باید اولویت را به «عقیده» داد و از مرزهای جغرافیایی چشم‌پوشی کرد، اما واقعیات موجود گویای آن است که دولت‌های اسلامی نیز برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های قضایی بین‌المللی نیازمند ارائه دیدگاهی هستند که بتوانند از ظرفیت نهادهای کیفری منطقه‌ای و بین‌المللی جهت اجرای احکام و قوانین در کشور خود یا اتباع خود در سایر کشورها بهره ببرند. به همین دلیل برخی دیگر، مسأله مرز را موقتی یا فاقد اصالت تلقی نمی‌کنند و اصراری به ادغام مرزهای جغرافیایی بین جوامع مختلف ندارند و تنها درصدد اعتراف آن‌ها به حاکمیت اسلام هستند (شمس‌الدین، ۱۳۷۵: ۵۱۶). بنابراین در این رویکرد، با تعدیل نظریه پیشین، مرزها اصالت دارند و کشورهای اسلامی با حفظ عقاید و دیدگاه‌های خود می‌توانند در راستای رفع نیازهای خود با سایر کشورها تعامل داشته باشند که تعامل کیفری یکی از مصادیق تعامل و همکاری قضایی است.

در ابتدا باید گفت که هرچند اسلام درصدد تشکیل «امت واحده اسلامی» است، اما این رویکرد بدین‌معنا نیست که وجود کشورهای مختلف جهان و به تبع آن، تابعیت ملی را به‌عنوان یک فرصت غیرقابل انکار مورد بی‌توجهی قرار دهد (کرمانی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۷). چنان‌چه برای اثبات تعامل با دیگران (غیرمسلمانان) از نظر فقهی به دوران صدر اسلام نیز استناد شده است. همان‌طور که در چهارچوب توافق یا «منشور مدینه» اهل ذمه نیز دارای حق و حقوقی بوده و نسبت به خواسته‌های آنان با احترام نگریسته می‌شد. در این دوران، پیامبر (ص) قراردادهایی با اهل کتاب با عنوان قرارداد ذمه امضا نمود که بر مبنای آن، تعهدات متقابلی میان اقلیت‌های دینی و دولت اسلامی برقرار شد (عمید زنجانی، ۱۳۶۲: ۲۳). بنابراین در این دوران هم «امت واحده اسلامی» مد نظر بوده است و هم این‌که حقوق غیرمسلمانان یا اهل کتاب با استناد به معاهدات مختلف، مورد توجه قرار گرفته بود که در این میان اگر مسأله کیفری پیش می‌آمد، با استناد به همین توافقات و تعاملات، امکانی برای برقراری عدالت از سوی آیین اهل کتاب یا در حالت عکس در جامعه تحت حاکمیت اسلام، قابل دفاع می نماید. امروزه و با تشکیل دولت ـ ملت، کشورهای غیرمسلمان می‌توانند در قالب همان اهل ذمه در نظر گرفته شده و تعامل با آنان در عرصه قضایی به شیوه معاهده یا همکاری قضایی صورت گیرد، بدین‌ترتیب تعامل کیفری از سوی دولت اسلامی بدین‌نحو است که نظام اسلامی، سیاست‌های خود را به‌نحوی تنظیم نماید که خواست‌ها و نیازهای امنیتی، استراتژیک، علمی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی و کشورشان در کوتاه‌مدت و یا در بلندمدت تأمین شود (حاتمی، ۱۳۹۸: ۳۴). بنابراین تعامل کیفری با استناد به تجارب صدر اسلام،

رویکردهای فقهی درباره پذیرش مرزهای جغرافیایی و تفسیر موسع از نظریه امت واحده اسلامی، می‌تواند مسیری برای همکاری و تعاون قضایی ایجاد نماید.

اما به‌طور خاص نظریه «امت واحده اسلامی» مهم‌ترین مبنای نظری تعامل کیفری در میان کشورهای اسلامی است که در عرصه جامعه بین‌المللی و منطقه‌ای نیز نمود پیدا می‌کند. به این دلیل که کشورهای مسلمان در قاره‌ها و مناطق مختلف پراکنده شده‌اند و همسویی عقیدتی می‌تواند باعث ایجاد همکاری قضایی میان آنان شود، بدین‌ترتیب باید گفت که کشورهای اسلامی به‌دلیل نگرش توحیدی به قراردادها میان کشورها و «اعتقاد به دین اسلام» و تابعیت قراردادی مبتنی‌بر «اهل کتاب معتقد به توحید» ریشه‌های مشترکی دارد (همت، ۱۳۹۴: ۲۱۰). این وحدت و پذیرش به‌معنای آن است که کشورهای اسلامی می‌توانند از ظرفیت‌های مشترک خود جهت تعامل کیفری، استرداد مجرمان و رسیدگی قضایی به جرایم فراملی رسیدگی نموده و همکاری کنند. در این زمینه میان ایران و ترکیه و ایران و امارات قوانینی جهت همکاری قضایی انجام شده است، ازجمله می‌توان به قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی و قضایی در موضوعات مدنی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹ اشاره کرد. تعامل با سوریه، امارات در ابعاد مختلف حقوقی، حقوق تجارت و ... می‌تواند پشتوانه گسترش روابط و تعامل کیفری از سوی جمهوری اسلامی ایران باشد.

۳-۲- معاهده استرداد

«تعهد به استرداد یا محاکمه»، با مبناقراردادن ماهیت بین‌المللی جرم، بر ضرورت مجازات مرتکبین این جرایم از سوی جامعه بین‌المللی، بدون در نظرگرفتن محل وقوع جرم یا محل دستگیری متهم است (Brown & Fried, 1998: 625). باتوجه به پدیدآمدن قواعد و مقررات بین‌المللی و منطقه ای در این زمینه، الزام دولت‌ها برای اجرای تعهدات مربوط به استرداد مجرمان بحث مهمی در تعاملات کیفری بین‌المللی است. ویژگی خاص استرداد آن است که زمانی که یک تعهد عرفی پذیرفته می‌شود، برای دولت‌های غیرعضو نیز لازم‌الاجرا است و هیچ دولتی نمی‌تواند با این بهانه عضو کنوانسیون‌های مرتبط با استرداد یا محاکمه نیست، از اجرای تعهدات مندرج در آن امتناع ورزد، مخصوصاً زمانی که افراد متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی را در سرزمین خود دستگیر می‌کند (بیگ‌زاده و میرفلاح نصیری، ۱۳۹۳: ۲). بنابراین کشورهای عضو در چهارچوب معاهدات استرداد چه در سطح منطقه‌ای و چه در سطح بین‌المللی، موظف به رعایت قواعدی هستند که اگر متهمی از کشور هم‌پیمان را در سرزمین خود دستگیر کردند، جهت رسیدگی قضایی به کشور متبوع خود مسترد نمایند.

اما از حیث بررسی زمینه‌های فقهی باید گفت که در صدر اسلام نمونه‌هایی از معاهده استرداد بین پیامبر گرامی اسلام (ص) و کفار اهل کتاب انجام شده است که براساس آن، طرفین ملزم به استرداد کافر و مسلمان بوده‌اند. در این زمینه می‌توان به نمونه‌های تاریخی اشاره نمود. اسلام در زمان پیامبر (ص) و متعاقب صلح حدیبیه، اولین قرارداد مکتوب استرداد مجرمان را ارائه نمود و دولت اسلامی را مجاز دانست که درصورت اقتضای مصلحت اسلام و مسلمین نسبت به انعقاد قرارداد استرداد مجرمان حتی با عدم شرط معامله متقابل بپردازد (عباسی، ۱۳۷۳: ۳۴). این تجارب عملی و تاریخی نشان‌دهنده توجه دین اسلام به تعاون کیفری و قضایی با دیگران (اهل کتاب) در چهارچوب قواعدی پذیرفته شده است تا بتوان احکام پذیرفته شده مسلمان یا غیرمسلمان را در قبال پیروان خود به‌کار ببندند. کاربست و انتقال این تجربه تاریخی به‌معنای آن است که این تعامل کیفری امروزه می‌تواند با کشورهای غیرمسلمان و در چهارچوب توافقنامه‌های کیفری و قضایی انجام شود.

در مورد دیگری نیز به معاهده استرداد در صدر اسلام می‌توان اشاره نمود، ازجمله در حدیثی که طبری نقل کرده است: پیامبر اکرم (ص) در حال نوشتن توافقی برای بازگرداندن هر فراری از قریش به مدینه بوده است که پسر سهیل بن عمر به نام ابوجندل از دست کفار مکه گریخته و با هدف پناهنده‌شدن به اسلام به‌سمت مدینه روانه شده بود. سهیل گفت: قبل از این‌که او به اینجا [مدینه] برسد، قرارداد ما با پیامبر (ص) به پایان رسید. پیامبر (ص) فرمودند درست می‌گویی و طبق مفاد این صلح‌نامه او را به مشرکان بازگردانید (طبری، ۱۸۷۹: ۲۸۱)، بدین‌ترتیب در شریعت مقدس اسلام، ضمن پایبندی به الزام

جهت دفاع از مظلومان و مخصوصاً پناهندگان، اهمیت‌قائل شدن به پیمان‌های بین‌المللی و یا در مقررات داخلی جامعه اسلامی، بر حرمت پناه‌دادن به مجرمان تأکید شده است. همچنان‌که منشور مدینه، نوعی پیمان بین‌المللی و نخستین منشور در ارتباط با حقوق بین‌الملل در جامعه اسلامی محسوب می‌شود (حسینی و پودات، ۱۳۹۹: ۲۹). معنای فقره تاریخی یادشده این است که مجرمان باید در همان سرزمین و تابع قوانین کیفری خود مجازات شوند و عملی‌شدن این فرایند، تنها در گرو بازگرداندن و استرداد مجرم و محاکمه وی در چهارچوب قوانین همان منطقه یا سرزمین است که ممکن است به کتابی غیر از قرآن جهت برقراری عدالت و محاکمه افراد متوسل شوند، اما در این میان، بازگرداندن مجرم به نزد حاکم زمانه و مکان خود نشانگر احترام به قوانین دیگران (غیرمسلمان) است که مبنایی برای ایجاد نهاد تعامل کیفری در زمانه حاضر با پذیرش سازوکارهای جدید نظیر معاهدات استرداد در قالب سازمان‌های حقوقی بین‌المللی و منطقه‌ای یا بین کشور اسلامی و کشورهای دیگر به‌صورت جداگانه است.

با استناد به موارد ذکرشده و برای حمایت از تعامل کیفری استناد به صلح حدیبیه، نه بحث اسلامی‌بودن قضاوت، بلکه پایبندی به تعهد و اجرای احکام در قبال افراد مجرم، جایز می دانند که همین رویکرد می‌تواند پشتوانه‌ای برای تأسیس نهاد تعامل کیفری از سوی دستگاه قضایی در جامعه و نظام اسلامی تلقی شود، هرچند امروزه و با تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، ایراداتی که از منظر شرعی به تعامل کیفری ایران با نهادهای بین‌المللی مطرح‌شده، بیشتر از سوی شورای نگهبان و عدم تطابق قوانین و مقررات موجود با شرع است. در موارد متعددی، مخالفت شورای نگهبان در این زمینه ابراز شده است که در رابطه با موافقت‌نامه استرداد مجرمان میان دولت ایران و الجزایر مطرح شده است. شورای نگهبان در این‌باره استدلال نمود که اطلاق اشخاص در این ماده شامل متهمینی می‌شود که از نظر موازین قضایی جمهوری اسلامی ایران مجرم شناخته نشده و استرداد آن‌ها مشروع نیست.[1] در نقد این دیدگاه و با استناد به موارد تاریخی نظیر صلح حدیبیه، معاهده استرداد نظیر بازگرداندن مجرم غیرمسلمان از سوی پیامبر (ص) و موارد دیگر باید گفت که هدف از به‌کارگیری استرداد به‌عنوان یکی از جلوه‌های تعامل کیفری بین‌المللی، اجرای حکم خارجی، یعنی حکم کشوری غیراسلامی یا عدم به‌کارگیری قوانین اسلامی نیست، بلکه هدف تحویل‌دادن یک شخص به کشور دیگر جهت تعقیب، وضع محکومیت یا اجرایی‌نمودن محکومیت وضع شده است (قربان‌پور و حامد، ۱۳۸۸: ۱۹۰). بنابراین در چنین شرایطی، حتی کشورهایی نظیر ایران می‌توانند از مزایای تعاون و تعامل قضایی برای مبارزه با جرایم فراملی نظیر تروریسم، جرایم سایبری، جرایم علیه امنیت ملی و اقتصادی بهره ببرند. به این دلیل که جنس و ماهیت تهدیدات علیه کشورها از نوع ترکیبی و فراملی است و بالطبع حل آنان نیز نیازمند راهکارهای بین‌المللی و تعامل با سایر کشورها است. در این شرایط، صلاحیت‌های تجویزی[2] دولت‌ها بر یکدیگر هم پوشانی پیدا می‌کند. این هم‌پوشانی و دغدغه قضایی مشترک به‌شکل بالقوه «صلاحیت کیفری متقارن» را ایجاد می‌نماید. با شکل‌گیری روابط از نوع صلاحیت متقارن، راه حل قضیه نیازمند روابط پویا میان این دولت‌ها درجهت کاربست «قاعده یا استرداد یا محاکمه[3]» در قبال متهم به جرم مورد نظر است (اردبیلی و میرفلاح نصیری، ۱۳۹۶: ۸)، بدین‌ترتیب رسیدگی به جرایمی که علیه جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد، صرف نظر از محل یا زمان وقوع جرم، نیازمند در نظرگرفتن سازوکارهایی از جنس تعامل کیفری است تا بتوان تهدیدات فرامرزی را شناسایی و مجرمان را تحت تعقیب قرار داد.

۳-۳- پایبندی به توافق با اهل کتاب

مورد دیگری که برای تعامل کیفری بین‌المللی قابل استناد می باشد، «پایبندی به توافق» است، خواه توافق با مسلمانان باشد یا این‌که یک طرف آن مسلمان و طرف دیگر آن غیرمسلمان باشد. بحث پایبندی به تعهدات در آیات و روایات متعدد و سیره معصومین (ع) دیده می‌شود. ابتدا از منظر آیات قرآن کریم باید گفت که مطابق آیه ۶۴ سوره آل عمران و خطاب به اهل کتاب بر خداپرستی و وحدانیت میان مسلمانان و اهل کتاب تأکید شده است: «**قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَي كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ**

[1]- نامه شماره ۳۰/۱۱۵۴۴۵۸۴ مورخ ۱۳۸۴/۰۱/۳۱ شورای نگهبان به مجلس شورای اسلامی.

[2]- Prescriptive Jurisdiction

[3]- Aut Dedere Aut Judicare

أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ وَ لاَ نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَ لاَ یَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ؛ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به‌سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جزء خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را ـ غیر از خدای یگانه ـ به خدایی نپذیرد، هرگاه (از این دعوت،) سرباز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم!»

در آیه اول از سوره مائده نیز پایبندی به توافقات و معاهدات تأکید شده است. جایی که فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادها) وفا کنید!»[1]

بنابراین هم بحث استفاده از معاهده با دیگران از یک‌سو و هم احترام به مفاد تعهدات، رویکرد مهمی در آموزه‌های اسلامی و به تبع آن در فقه امامیه است. در همین راستا و از جهت احترام به تعهدات و پیمان‌ها، رسول گرامی اسلام (ص)، در طی دوران حکومت خود در مدینه از اهل کتاب تحت عنوان اهل ذمه یاد کرده است، یعنی کسانی که در دارالاسلام زندگی می‌کردند و به حکومت اسلامی تمکین کردند، اهل ذمه نامیده شدند. معنی کلمه ذمه نیز توافقی است که مسلمین باید به آن احترام بگذارند و مطابق آن عمل نمایند. همچنان‌که تخلف از این توافق نیز مستوجب مذمت و ملامت آنان خواهد شد (خدوری، ۱۳۹۱: ۲۲۰). احترام به معاهده با اهل ذمه از سوی پیامبر (ص) به‌معنای آن است که در نگرش اسلامی، تعامل با دیگر کشورها امری پذیرفته‌شده است و مهم‌تر از آن پایبندی به توافق و جلوگیری از بی‌احترامی یا تخلف نسبت به مفاد معاهدات است.

ازجهت وجود دیدگاه‌های فقهی متناسب با تأسیس نهاد تعامل کیفری و همکاری با کشورهای مختلف در نظم حقوقی کنونی باید گفت که وفای به عهد، عمل‌نمودن به تعهدات و همچنین عمل به قول و فعلی که در تعاملات انسانی رخ می‌دهد، از تأکیدات دین اسلام است. در این رویه استدلال بر این است که اگر در جامعه اسلامی وفای به عهد وجود داشته باشد، مبنایی برای اعتماد عمومی ایجاد می‌کند. این اعتماد عمومی وقتی در سطح بین‌المللی و تعامل با سایر کشورها نمود پیدا کند، ارزشی دوچندان خواهد داشت. در هر صورت، در عرف و اصطلاح، قرارداد و عهد شامل پیمان‌هایی می‌شود که باید آن ها را حفظ کرد و دقیقاً رعایت شوند که به آن عهد می‌گویند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۴۶). تأکید بر رعایت دقیق عهد و پیمان و مخصوصاً در تعامل با سایر کشورها، رویکرد مترقی فقه امامیه را در عرصه حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد. همچنان که عقیده بر این است که از آیه «**أَوْفُوا بِالْعُقُودِ**» چنین استنباط و تفسیر شده که هر نوع پیمان و معاهده در ارتباط با اشیا یا کارها میان دو یا چند نفر، لازم‌الاجرا است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۴۷). بنابراین در فقه شیعه، معاهدات تنها به جنبه نگارش متن توافق محدود نمانده است، بلکه تأکید بر لازم الاجرابودن آن‌چه توافق شده است، گواهی بر تمایل دولت یا نظام اسلامی به تعاون و معاضدت قضایی است. بحث پایبندی به توافقات و معاهدات زمانی معنادار می‌شود که معاضدت و تعامل کیفری برای محقق‌کردن عدالت و جلوگیری از ستم و ظلم بر مردم صورت گیرد.

در زمینه پایبندی به تعهدات و پیمان نیز موارد متعددی در سنت اسلامی دیده می‌شوند که نشانگر عمل‌نمودن رسول گرامی اسلام (ص) در قبال تعهدات و پیمان‌هایی است که حتی با غیرمسلمانان منعقد کرده بود، ازجمله این‌که در پیمان «حلف الفضول» که پیامبر گرامی اسلام (ص)، پیش از بعثت در آن حضور داشته است، فرمودند: «**من هرگز نمی‌پذیرم که این پیمان را با بسیاری از شتران گران‌بها معاوضه نمایم**» (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۵۳۲) یا حتی این‌که در منشور مدینه، ایشان بر رعایت شرایط لازم در تعهدات داخلی و روابط خارجی تأکید داشته‌اند که نشانگر پایبندی به اصول قراردادی در آن دوران بوده است (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۱۴۷). از این مباحث نتیجه حاصل می‌شود که اولاً پیمان و تعهد در جایگاه خود، ضرورت مهمی برای تعامل نظام اسلامی با سایر نظام‌ها است؛ دوم این‌که پایبندی، تخلف نکردن از تعهد و اجرایی‌نمودن تعهدات، رویکرد خاص حقوق اسلامی است که در فقه امامیه نیز جلوه‌گر شده است. در یکی از موارد دیگر در آن دوران و ازجمله در قرارداد صلح حدیبیه که با هدف برقراری صلح و امنیت میان طرفین قرارداد بسته

---

[1]- «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ...»

شد و طرفین نیز متعهد شدند که به مدت ده‌سال دشمنی‌ها و اختلافات را کنار بگذارند (ابن هشام، ۱۳۹۲: ۱۹۵). مورد اخیر به‌خوبی نشانگر ایجاد یک تعهد و پیمان میان مسلمانان و غیرمسلمانان در حوزه تعامل کیفری است که بر کنارگذاشتن اختلافات در حوزه‌های متخلف توجه نشان داده است. با بهره گیری از همین تجارب تاریخی و آن‌چه در ارتباط با پایبندی به پیمان در فقه مطرح شده است، تعامل کیفری در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در ابعاد گسترده آن و جهت جلوگیری و مقابله با جرایم شدید بین‌المللی مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۴- رسالت جهانی و بین‌المللی دین اسلام

دین اسلام از همان ابتدا، اندیشه و رسالتی جهانی برای خود در نظر گرفته بود که برای محقق‌شدن اهداف و مقاصد جهان وطنی، تعامل با دنیای اطراف اعم از مسلمان و غیرمسلمان را مورد توجه قرار می‌داد. پیشقراول این نگرش، سخن پیامبر گرامی اسلام (ص) است که فرمودند: **«علم را بجویید، حتی اگر در چین باشد، زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است»** (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۷/۱) یا در همین زمینه از امام اول شیعیان حضرت علی (ع) نقل شده که فرمودند: **«حکمت گمشده مؤمن است، پس آن را فرا گیر اگرچه از مردم دور باشد»** (خوشنویس، ۱۳۶۸: ۱۱۲۲/۶). باز در همین راستا، در فقه امامیه، مطرح شده است که حکمت (دانش، حقیقت و علم) گمشده مؤمن است، آن را در هرجا و نزد هرکس یافت، یاد می‌گیرد و خودش از او سزاوارتر است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹). موارد یادشده گواه آن است که در تعالیم اسلامی، تعامل با دیگران در زمینه‌های مختلف، حتی اگر مسلمان هم نباشند، پذیرفته شده است. این موضوع در ارتباط با مواردی که عام، فراگیر و حقایقی مشترک و جهانی هستند، ازجمله درباره حکمت، دانایی و علم صادق است. پذیرش این رویکرد و دفاع تعالیم اسلامی و فقهی به معنای آن است که برای حل مشکلات و چالش‌ها، ازجمله در عرصه برقراری عدالت و نظم در جامعه، این تعامل امری پذیرفته شده است. بر همین اساس در دفاع از تعامل کیفری بین‌المللی در فقه و حقوق اسلامی باید گفت که کشورها چه مسلمان و چه غیرمسلمان، باتوجه به عرف و معاهدات بین‌المللی، همکاری قضایی را گسترش دهند (حسینی و پودات، ۱۳۹۹: ۳۴)، بدین‌ترتیب استرداد مجرمین، تعامل و تعاون قضایی، هم ریشه در صدر اسلام و سیره معصومین (ع) دارد و هم این‌که امری ضروری برای گسترش عدل و داد در جامعه اسلامی و برقراری نظام کیفری اسلامی است. همان‌طور که سایر کشورها برای تعقیب مجرمان یا همکاری برای پاسخگونمودن نیازمند تعاون قضایی با کشور اسلامی هستند، نظام جمهوری اسلامی ایران نیز برای گسترش چتر عدالت و تعقیب مجرمان نیازمند تعامل با سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی نظیر اینترپل و نهادهای کیفری نظیر دیوان بین‌المللی دادگستری یا سایر معاهدات شناخته‌شده بین‌المللی است.

در حال حاضر، برخی از معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای، تعاملات دوجانبه ایران با کشورهای اسلامی و غیراسلامی وجود دارند که هرچند در مواردی مورد تأیید شورای نگهبان نیست، اما با تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام، حامی تعامل کیفری ایران با سایر کشورها در نظر گرفته می‌شوند. کنوانسیون علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی که در دسامبر سال ۲۰۰۰ در پالرمو ایتالیا به تصویب رسید و ایران نیز آن را امضا کرد، ازجمله اسناد بین‌المللی شناخته شده است (بائی لاشکی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۶)، هرچند استدلال شورای نگهبان در زمینه معاضدت و تعامل کیفری با سایر کشورها این است که در نظام حقوقی اسلام، قضات و اجرای حکم از شؤون حاکم و ولی امر مسلمین است؛ بنابراین قضات باید منصوب از جانب ولی فقیه باشند. قضات دادگاه‌های کشور طرف معاهد، از ناحیه ولی امر نصب نشده‌اند و شرایط لازم برای قضاوت را ندارند. همچنین نمی‌توان مسلمان شیعه را تحویل چنین مقاماتی داد (فاتحی‌زاده، ۱۳۹۴: ۵). در اینجا ذکر این نکته لازم است که تعامل کیفری با هدف رسیدگی به جرایم سازمان‌یافته یا شدید بین‌المللی که حتی تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران نیز تلقی می‌شوند، به‌معنای پذیرش رویکرد غیرشرعی حاکم بر سایر کشورها نیست، بلکه ایجاد سازوکاری برای شناسایی، تعقیب و محاکمه و استرداد متهمان مرتبط با جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی است. با رویکردی فقهی می‌توان از «مصلحت» و «دفع افسد به فاسد» نیز سخن گفت که عضویت در معاهدات کیفری بین‌المللی تنها با هدف مقابله و پیشگیری از جرایم شدید بین‌المللی ایجاد نماید.

نتیجه‌گیری

امتناع‌ورزیدن از تعامل کیفری یا تعاون قضایی و فقدان سازوکارهای حقوقی مناسب در این زمینه، بیش از هر چیز به بی‌کیفری در قبال مرتکبان جنایات بین‌المللی و گسترش آنان منجر می‌شود. از رهگذر تعامل کیفری و معاضدت قضایی و توجه به اصول فقهی، ازجمله استناد به استرداد مجرمان در صدر اسلام، قاعده امت واحده در معنای پذیرش مرزهای جغرافیایی کشورها، استناد به پایبندی به تعهدات در اسلام و تعامل سازنده با اهل کتاب در قالب اهل ذمه، مبانی لازم را جهت تعامل کیفری از سوی نظام اسلامی در سطح بین‌المللی فراهم آورد. وجود پیمان یا منشور مدینه، پیمان صلح حدیبیه، رفع اختلافات و کنارگذاشتن مخاصمات به مدت ده‌سال میان مسلمانان و غیرمسلمانان، گواه اهمیت پیمان و معاهده در صدر اسلام و در فقه امامیه و حتی فقه اهل سنت است، بدین‌ترتیب باوجود اصول و مبانی فقهی، تعامل و تعاون قضایی از سوی نظام اسلامی باعث می‌شود تا در راستای پیشگیری و مقابله با جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی و تعقیب مفسدان اقتصادی، سیاسی و امنیتی، کوششی جمعی و جهانی صورت گیرد و از پناهنده‌شدن چنین افرادی در کشورهای خارجی جلوگیری به عمل آورده شود. افزایش بزهکاری بین‌المللی و تشدید جرایم به‌واسطه ابزارهای اینترنتی و ارتباطی، لزوم گرایش به‌سمت تعامل کیفری بین‌المللی را بیش از پیش نشان می‌دهد که به صورت مؤثری بتوان استرداد مجرمین، انتقال محکومین به حبس، برگزاری دادگاه در داخل برای شهروندان (مجرم) و مبارزه با جرایم را در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی عملیاتی نمود. بنابراین از منظر زمینه‌های فقهی، موارد یادشده در کنار رویکرد بین‌المللی و رسالت جهانی دین اسلام، می‌توان از قواعد سنتی نظیر استراد یا محاکمه در دادگاه‌های بین‌المللی بهره برد که البته این امر نیازمند تغییر و تحول قوانین داخلی و گسترش حوزه همکاری با کشورهای مختلف است تا بتوان تهدیدات و جنایات بین‌المللی نظیر تروریسم، تهدیدات سایبری، جرایم مرتبط با مواد مخدر، جرایم اقتصادی و سایر تهدیدات را از طریق همکاری با سایر کشورها از بین برد یا زمینه را برای مجازات مجرمان فراهم آورد، اما امتناع از تعامل و تعاون قضایی از سوی نظام جمهوری اسلامی ایران که نماینده حکومت دینی در جهان اسلام است، می‌تواند مخابره‌کننده ضعف رویکرد حقوقی اسلامی در سطح نظام بین‌الملل نیز در نظر گرفته شود، یعنی این‌که نظام حقوقی و کیفری اسلام نسبت به تحولات دنیای معاصر که بیشتر تهدیدات و خطراتی نظیر تروریسم، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی یا جرایم علیه مواد مخدر و موارد پیچیده آن است، رویکردی انفعالی و بی‌طرفانه در پیش گرفته است. این رویه می‌تواند رسیدگی کیفری به جرایم یادشده را از جانب نظام کیفری اسلامی با خطر روبه‌رو سازد یا حتی به‌نحوی باعث گسترش چنین جرایمی از حیث عدم رسیدگی به آنان را دامن بزند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافعی بوده است.

سهم نویسندگان: برابر.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی و عربی

– قرآن کریم.

– ابن اثیر، عزالدین (۱۳۷۱). *تاریخ کامل*. ترجمه محمدحسین روحانی، تهران: نشر اساطیر.

– ابن هشام، عبدالمالک (۱۳۹۲). *سیره نبوی*. تهران: انتشارات ادیب مصطفوی.

– اردبیلی، محمدعلی و میرفلاح نصیری، ندا (۱۳۹۶). «اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن قاعده «استرداد یا محاکمه» در ایران». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۸ (۹۸): ۸-۳۴.

– بائی لاشکی، عباس؛ روزبهانی، محمدرضا؛ طهماسبی، جواد و اکبری، محمدتقی (۱۳۹۶). *استرداد مجرمین در نظام کیفری ایران و حقوق بین‌الملل*. تهران: انتشارات کتاب آوا.

– بیگ‌زاده، ابراهیم و میرفلاح نصیری، سیده ندا (۱۳۹۳). «تعهد به استرداد یا محاکمه» در حقوق عرفی و رویه قضایی بین‌المللی، *مجله تحقیقات حقوقی*، ۶۶: ۱–۳۰.

– حاتمی، محسن (۱۳۹۸). *مبانی فقهی همکاری قضایی استرداد مجرمین حکومت اسلامی با حکومت‌های غیر اسلامی*. تهران: انتشارات فرزانگان دانشگاه.

– حسینی، سیدمصطفی و پودات، سوگند (۱۳۹۹). «مبانی فقهی همکاری قضایی استرداد مجرمین حکومت اسلامی با حکومت اسلامی غیراسلامی». *سومین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق*، تهران.

– خدوری، مجید (۱۳۹۱). *جنگ و صلح در قانون اسلام*. ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران: انتشارات کبله شروق.

– خوشنویس، طاهر (۱۳۶۸). *ترجمه و شرح نهج البلاغه*. تهران: انتشارات فیض الاسلام.

– شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۳۷۵). *نظام حکومت و مدیریت در اسلام*. ترجمه مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

– طبری، محمدبن جریر (۱۸۷۹). *تاریخ طبری*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

– عباسی، محمود (۱۳۷۳). *استرداد مجرمین*. تهران: انتشارات گنج دانش.

– عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). *فقه سیاسی و حقوق بین‌الملل اسلام*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

– عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۶۲). *حقوق اقلیت‌ها*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

– فاتحی‌زاده، حسین (۱۳۹۴). *نظرات استدلالی شورای نگهبان لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.

– فروغی، فضل‌الله (۱۳۸۸). «منشأ و ماهیت حقوقی اصل صلاحیت جهانی». *مجله مطالعات حقوقی*، ۱ (۳): ۲۱–۴۹.

– فروغی، فضل‌الله و جودکی، بهزاد (۱۳۹۶). «راه حل‌های تعارض صلاحیت در قلمرو حقوق جزای بین‌الملل». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۴ (۵۷): ۲۴۹–۲۸۵.

– قربان‌پور، محمد و حامد، سهیلا (۱۳۸۸). «انعقاد معاهدات معاضدت قضایی در نظام حقوقی ایران؛ تقابل یا همسازی نظام حقوقی بین‌المللی با نظام حقوقی داخلی ایران». *مجله پژوهش های حقوقی*، ۱۵ (۱): ۱۶۵–۲۰۳.

– کرمانی‌نژاد، عبدالله (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل اسلامی و مقایسه آن با منشور سازمان ملل متحد*. تهران: انتشارات زعیم.

– مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*. ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران: انتشارات اسلامیه.

– محمدی (کرجی)، رضا؛ عندلیبی، علی و شمس ناتری، ابراهیم (۱۳۹۸). «بررسی فقهی برخی ادله شورای نگهبان در رد معاهدات استرداد مجرمان میان ایران و سایر دولت‌ها». *فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی*، ۵ (۱۴): ۸۹–۱۰۷.

– موسوی‌فرد، سیدوحید و نیکنام، محمدرضا (۱۳۹۵). «رویه دولت‌ها در همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی». *سومین کنفرانس پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*، ۱ (۱): ۱–۱۲.

– همت، مسعود (۱۳۹۴). «بررسی مقایسه‌ای مفهوم تابعیت در نظام‌های حقوق بین‌الملل معاصر و حقوق اسلام». *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*، ۲۵(۱): ۱۸۹–۲۱۴.

ب. منابع انگلیسی

- Enache-Brown, C & Fried, A (1998). “Universal Crime, Jurisdiction and Duty: the Obligation of Aut Dedere Aut Judicare in International Law”. MC Gill Law Journal, Vol. 43.

- Wise, E (1993). “The Obligation to Extradite or Prosecute”. *Isr.L. Review*, 283-285.

ج. اسناد

– قانون تعاون قضایی، مصوب ۱۳۰۹/۰۴/۲۴.